

## فهرست

مقدمه مؤلف بر ویرایش جدید .....	۷	پیشگفتار
درگیری در چند جبهه، تشیع در نبردی سرنوشت‌ساز .....	۲۵	بخش اول
حقوق و مسئولیت‌ها: تکامل مفهوم امامت در بُعد سیاسی و اجتماعی.	۲۷	بخش دوم
غلو، تقصیر، و راه میانه: تکامل مفهوم امامت در بُعد علمی و معنوی .	۵۵	بخش سوم
بحران رهبری و نقش راویان حدیث .....	۱۰۹	بخش چهارم
مناظرات کلامی و نقش متکلمان.....	۲۰۱	

## ضمائمه

۱. رساله ابن قبه در پاسخ معتزله .....	۲۴۱
۲. رساله يکي از طرفداران جعفر کذاب و پاسخ ابن قبه به آن .....	۲۴۷
۳. رساله ابن قبه در پاسخ زيديه .....	۲۶۱
۴. بخش پایانی کتاب التنبیه ابوسهل نوبختی .....	۳۰۳
۵. بخش مربوط به غیبت از کتاب المقالات والفرق سعد بن عبدالله اشعری .	۳۱۱
۶. خاندان های حکومتگر شیعی در بغداد در اواخر غیبت صغیری .....	۳۱۹
منابع اسلامی .....	۳۴۳
منابع خارجی .....	۳۸۱
نمایه .....	۳۸۵

## حکایت این کتاب

### مقدمه مؤلف بر ویرایش جدید

بیست و هشت سال پیش، امواج ایجاد شده از پیروزی سریع و غیرمنتظره انقلاب اسلامی در ایران به سرعت برق از مرزهای ایران گذشت و بر روحیه و بینش جوامع دور و نزدیک، اثری شگرف نهاد و در نیروهای مردمی در بخشی بزرگ از جهان که از ستم و فساد و استبداد و پایمال شدن ارزش‌های معنوی و مذهبی خود به جان آمده بودند شوری بزرگ آفرید و الهام بخش و راهگشا و پیام آور امید شد.

نیروهای اهربینی جهانی و منطقه‌ای که همه مصالح خود را ناگهان در خطر دیدند برای خنثی ساختن اثری که آن رویداد نهاده و مهار کردن شور و انرژی عظیمی که آفریده بود به تلاش افتادند. در این راه «ضد حمله» را از دو جبهه آغاز کردند که یکی تخریب انقلاب را از داخل نشانه می‌گرفت و دیگری بر تخریب چهره بیرونی آن همت گمارده بود. تحدید و توصیف انقلاب اسلامی به انقلاب شیعی و سپس تلاش در زشت جلوه‌دادن چهره

تشیع و احیاء اختلافات میان شیعه و سنتی و رو در رو قرار دادن آن دو، یکی از محورهای گوناگونی بود که در این کارزار گشوده شد. در این محور، سرمایه گذاری عظیمی کردند و سیل مهیبی از انتشارات و تبلیغات ضدشیعی در سراسر جهان اسلام و بیرون آن به راه انداختند. زمینه‌های تاریخی عموماً و دشمنی کینه توزانه نخلهای خاص در جهان اسلام خصوصاً، زمینه‌سازانی مهم برای توفیق این طرح بودند که در مآل، نتیجه متوقع خود را تاحدود زیادی به بار آورد و از اثرگذاری انقلاب، و اثربذیری از آن، به میزان وسیعی کاست چنان‌که اکنون دیگر بهوضوح می‌توان دید.

اما کاربرد این تبلیغات واستفاده از اهرم اختلافات مذهبی و عقیدتی، محدود به انقلاب و پیشگیری از آن نماند و همان سیاست در طیف وسیع‌تر، این بار برای مهار موج اسلام‌گرایی عام در جهان اسلام پیگیری شد. این سیاست جهانی که اهداف کوتاه‌مدت و دراز‌مدت دارد نه تنها تاکنون به قیمت جان بسیاری از نخبگان شیعی در جهان اسلام تمام شده، بلکه آثاری دیرپا و عمیق برای حال و آینده مکتب تشیع و جایگاه آن در امت واحد اسلامی بر جای نهاده است که نتایج ناخوشایند آن در روزگاران آینده که این شجره خبیثه به‌طور کامل به بار بنشیند روشن‌تر خواهد گردید.

محوری سنگین در این کارزار، چنان‌که گفته شد، به زشت‌نمایی چهره تشیع و پیروان آن اختصاص داشت که نیروهای بسیار در کشورهای اسلامی، از جهان عرب و شبه قاره و جنوب شرقی آسیا تا مجامع فرهنگی و آکادمیک غرب، در این محور به خدمت گرفته شدند. پرچم نبرد در این جبهه از آغاز بر دوش آن گرایش عقیدتی خاص در جهان اسلام بود که

در قالب دفاع از توحید خالص و مبارزه با مظاهر شرک و بدعت، فرصت را برای اعلان جنگی تمام عیار علیه تشیع مغتنم شرد و این کار را تا این لحظه با شدت و حدّت، هم در درون وهم در بیرون از جهان اسلام ادامه داده است. اما دیگرانی هم بودند که در لباس دفاع از تشیع، تا آنجا که توانستند به زشت‌نمایی چهرهٔ تشیع مدد رسانیدند، خواه از راه احیاء افکار غالیانه و خرافی از بقا یا ورسوبات عقاید فرقه‌های منحرف قدیم که خود را به جامعهٔ شیعی می‌بستند و خواه در کسوت تجدید برخی سنن و رسوم عامیانه و جاھلانه که مدت‌ها به برکت مبارزات و مجاهدات سلف صالح و بزرگان شریعت، متروک و مهجور بود و با ترویج و تأکید بر اقوال و اعمال تفرقه‌انگیز و دشمن‌تراش. نقش گروه دوم البته به هیچ وجه کمتر از دستهٔ نخست نبوده و نیست و زیان حاصل از احیاء و تجدید واپسگرایانه و خرافی آنان که با شوق تمام، زیر دوربین رسانه‌های تبلیغی غرب و ذره‌بین نقد مذهبی و انسان‌شناسانه – از راه ریشه‌یابی و مشابهه‌یابی برخی عقاید و شعایر در نظام‌های بت‌پرستی و جادوگری گذشته و حال – قرار داده می‌شود از تأثیر تخریبی گروه اول وسیع‌تر و عمیق‌تر، و به دلیل آنکه از درون نظام شیعی می‌آید مؤثر‌تر و قانع‌کننده‌تر است. اما به‌هرحال به تعبیر شایع، این دو، دو تیغهٔ یک قیچی هستند و به‌گونه‌ای عترت‌آموز، هماهنگ و همگون عمل کرده و می‌کنند.

مجموع این تحرکات و تلاش‌ها، چه زمینه‌سازی شده و چه خودجوش، از یک سو بخش بزرگی از ارزشی و توان علمی و عملی جامعهٔ اسلامی را به هدر داد و از سویی دیگر تصویری از تشیع و شیعه در جهان اسلام و محیط‌های آکادمیک به وجود آورد که با آن نسخهٔ مترق و معتدل و جذابی که به‌خصوص در چند دههٔ اخیر به عنوان نهضت پیشرو و

عقلانی جهان اسلام، پس از دوره‌های متادی از مقاومت سلف صالح و خردمند در برابر خرافات و مجاهده با مظاہر باورهای عامیانه و دعوت به وحدت و اصلاح، عرضه شده بود تناسب و مشابهتی ندارد اما از وقتی که تلاش دشمنان با تأیید دوستانی همراه شد که می‌اندیشند احیاء آن‌گونه افکار و اعمال، خدمتی به مکتب تشیع است، آشکار بود که این نسخه غالیانه عامیانه، سرانجام به عنوان نسخه اصیل تشیع امامی جا خواهد افتاد و آن فدایکاری‌ها و مجاهدات در تداوم روزگار به هدر خواهد رفت.

\* \* \*

این حقیقت که کلیّت نظام تشیع گرد محور شخصیّت امیر مؤمنان علی(ع)، و در جانبداری از نظریه احقيّت آن بزرگوار در رهبری جامعه اسلامی پس از پیامبر، شکل گرفت مطلبی نیست که قابل خدشه و انکار باشد. این را نیز می‌دانیم که از همان صدر اول (بنابر برخی نقل‌ها حتی از روزگار زندگی امیر مؤمنان) افراد و گروه‌هایی در جامعه بودند که در مورد آن حضرت نظراتی افراطی داشته و ایشان را تا سرحد الوهیت تقدیس می‌کردند و سپس برخی از آنان چنین اعتقادی را، دست کم در چهارچوب «نَزَّلُنَا عَنِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ قَوْلُوا فِينَا مَا شَئْنَا» به سایر ائمه اطهار نیز تسری دادند. این حقیقت هم غیرقابل انکار است که در ادوار متقدم، گروه‌ها و شخصیت‌هایی نیز بوده‌اند که با وجود اعتقاد به وجوب اطاعت کامل از امامان، از افراط در تقدیس آنان اجتناب کرده و هوادار اعتدال و تفکر عقلانی در تشیع بودند و با پیروان گرایش پیشین درگیری شدید داشتند.

مصادر و مأخذ قدیم شیعی و غیرشیعی که این واقعیت‌های تاریخی را گزارش کرده‌اند مواد مختلف و متناقض در مورد تاریخ و طبیعت اولی و

اصلی مکتب تشیع به دست می‌دهند که در نظر بدوى می‌تواند به گونه‌های مختلف تفسیر و تحلیل شود. تفسیری که دشمنان تشیع از دیرباز مطرح می‌کردند آن را نوعی گرایش باطنی می‌دانست که با آمیخته‌ای از باورها و سنت‌های قدیم در پرستش قدیسان، از فرهایزدی ایرانی و تناسخ هندی تا تجلی و حلول مسیحی و نظایر آن، ترکیب شده و نظراتی مشخص در مسائلی مانند تحریف قرآن و سب صحابه و طبیعت فوق بشری امامان و طینت و بدا و امثال آن جزء ذاتیات لاینفک آن بود. در سال‌های دهه شصت، سیل تهاجمی و تبلیغی علیه تشیع که گاه در شکل بحث‌ها و نقدهای تحقیقی عرضه می‌شد همین تفسیر را با حداکثر استفاده از مواد قابل استناد برای این مدعای متنون قدیم، مطرح و تشیع را عمدتاً به عنوان گرایشی باطنی و بیرون از چهارچوب شناخته‌شده اسلام معرفی می‌کرد. این تفسیر به مرور بر نگرش مجامع آکادمیک غرب نیز اثر نهاده و چهره جدیدی که ثمره تلاش مشترک دشمنان و دوستان بود به تدریج جایگزین نسخه‌ای می‌شد که در آن زمان برای چند دهه، از تشیع به مثابة نهضت عقلگرا و فهم مترقب و روزآمد از سنت اسلامی در ذهنیت حوزه‌های علمی غرب جافتاده بود.

فکر نگارش این کتاب در سال‌های پایانی دهه شصت در چنین زمینه به عنوان تلاشی در ارائه یک تحلیل قابل عرضه تراز مکتب تشیع در مجامع علمی شکل گرفت. در تصویری که این کتاب ارائه می‌داد هسته اصلی تشیع، اعتقاد به مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر در معارف اسلامی (براساس حدیث ثقلین و نصوص دیگر) بود که البته با اعتقاد مستحکم به احقيقت امیر مؤمنان و فرزندان او در رهبری جامعه همراه بوده ولی با تقدیس افراطی و باورها و سنت‌های پیش از اسلام، مناسبتی نداشته

است. این اثر، سر آن داشت که با بررسی مواد موجود در مصادر قدیم اسلامی و دسته‌بندی و مقایسه آن مواد با یکدیگر و با شواهد تاریخی خارجی، روند تکاملی فکر شیعی را در چهارچوب تعالیم و حرکت تاریخی مکتب اسلام پیگیری کند. اما به خاطر خاستگاه فرهنگی خود، ناچار بود که اصول موضوعه و ذهنیت‌ها در حوزه‌های اسلام‌شناسی غربی را در نظر داشته باشد تا بتواند در آن مجتمع، توفیق و قبول یافته و در تبیین «اسلامیت» سنت تشیع امامی اثراً گذار باشد و از سوی دیگران گزیر باید برخی از مفاهیم بحث‌انگیز را که ادبیات ضد شیعه زمان، قابل نقد یافته و مطرح می‌نمود مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌داد.

اصل انگلیسی کتاب بدین‌گونه بیست سالی پیش از این، برای حال و هوایی دیگر و در پاسخ به نیازی در شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی خاص تدوین شده بود. در آغاز براین باور بودم که به خاطر همین مسائل جنبی مطرح شده در کتاب، برگردان فارسی آن سودمند نیست چه برخی از مباحث زمینه‌ساز تدوین آن در جوامع ما مطرح نبود و تحریک ساکن، موجبی نداشت. حتی وقتی کتاب به هر صورت در امریکا ترجمه شد خوشدل بودم که در ایران جز چند نسخه بسیار محدود، چیزی از آن در دسترس قرار نگرفت. اما دواعی بر پخش بیشتر آن متوفّر بود و به مرور زمان، همان چند نسخه با تکثیر زیراکسی در سطحی گسترده‌تر انتشار یافت. آن مباحث مطرح در بیرون نیز اندک‌اندک طی بیست سال گذشته از راه ترجمه برخی مقالات و نوشهای و تبادل آراء و انتظار به مجتمع خودی راه یافت. بر سرهم، اکنون پس از گذشت سال‌ها به نظر می‌رسد که دیگر آن ملاحظات پیشین، زمینه‌ای ندارد. گذشته از آن که اگر فی الواقع احیاناً ضعی در نحوه بیان یا استدلال، در برخی نکات فرعی از باورها و

کارهایی که به هر حال منتب به مکتب مقدس شیعی است وجود داشته باشد چه بهتر که صاحبان نظر بر تلقی دیگران از آن آگاه شده و همچون سلف صالح به سدخل و رفع ابهام در آن موارد همت گمارند.

می‌دانیم که منابع تاریخی اسلامی معمولاً تنها به نقل حکایات و منقولات گزارشگران پرداخته و نگارندگان آن با روش نقد گزارش‌ها آشنایی درست نداشته و یا به هر دلیل به چنین کاری نپرداخته‌اند و هرجا که با روش‌های غیرعلمی و ساده‌اند یشانه اهل حدیث در صدد چنین کاری برآمده و به انتخاب مسموعات و مرویّات خود دست زده‌اند معمولاً در تشخیص صحیح از سقیم و سره از نسره به خطأ رفته‌اند. لاجرم ترسیم فوداری درست از آنچه در زمان‌های دور اتفاق افتاده بود در آشفته بازار مرویّات این کتاب‌ها کاری آسان نیست. حداکثر کاری که یک پژوهشگر می‌تواند در این مورد انجام دهد پیش‌نهادن طرحی است برای دسته‌بندی مواد موجود، به امید روشن‌ساختن یک «پازل» تاریخی از راه یافتن قطعات گمشده آن. این تمام کاری است که این دفتر در صدد انجام آن بوده است با این امید که اگر صاحب‌نظران چیزی را در این میان شایسته تحقیق یافته‌ند به بررسی بیشتر برخیزند و اگر خطایی دیدند به نقد آن همت گمارند.

\* \* \*

تقد درست، بنیاد حیات و دستیایه نشاط و شرط ضروری برای بالیدن فکر و اندیشه است. فرهنگ‌های زنده و پیشرفتی دنیا به نقد درست، عشق می‌ورزند. در محیط‌های علمی امروز تحقیری برای یک اثر بالاتر از آن نیست که کسی پروای نقد و تبیین خطاهای احتیالی آن را نداشته و به تعبیر دیگر آن را شایسته اعتنا و بررسی نداند. طبعاً هر پژوهشگری خود